

## گلوبالیزاسیون و برنامه ریزی استراتژیک شهری - ( 2 )

در ادامه بحثی که در بخش قبلی ، در رابطه با جهانی شدن و برنامه ریزی استراتژیک (راهبردی) شهری ، آغاز شد ، نظریات مطرح شده چنین ادامه یافتند : استراتژی شهرها برای افزایش فرصتء همراهی با پویائی گلوبال ، ویا در واقع عقب نماندن از کاروان توسعه و رونق اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی در جریان ، بستگی به میزان ، جذابیت و توان رقابتی - رقابت در انباشت ثروت - همکاری بخش عمومی و خصوصی - پشتیبانی و رغبت سرمایه گزاران خصوصی- توسعه مارکتینگ سرزمینی ، خاصه امکان برآورده شدن و تحقق برنامه های انفرادی ؛ کیفیت فضا و نظم شهرها ؛ امنیت فردی ، پیوند دادن همبستگی اجتماعی شهروندان ، خواهد داشت . این عناصر جاذب اند، چون شهر را برای بازار جاذب میگردانند. ( Jordi Borja جردی بورخا و Rodrigo Lopez رُدِریگو لُوپز 37/1998 در شهر بین المللی . برنامه ریزی استراتژیک شهرها .) ویا اینکه : تعیین عملکردهای مدیریت بخش عمومی برای تسلسل و توالی جذابیت هادر ترغیب صاحبان سرمایه ، اهمیت بنیانی خواهد داشت .

همانگونه که ملاحظه میشود ، هماهنگ شدن با شروط نئو لیبرالی ، موجب اشاعه و القاء این برداشت شد که : افزایش وظایف و خدمات عمومی دستگاه اجرایی ، موجب مشکلات اداری ، از انجمله گسترش دستگاه اداری ، ودر نتیجه کُندی تصمیم گیری ، کاهش کارآمدی عملکردهای ان وتمرکز اداری میشود . این نا کار آمدی ها بهانه ای برای پیش کشیدن برداشت جدیدی از دستگاه اجرایی شدند . برداشتی که در صدد کوچک کردن دستگاه اداری ، از طریق کاهش عملکردها ی خدمات عمومیء دستگاه اداری و واگذاری ان به بخش خصوصی ویا کلا" خصوصی نمودن بخشی از عملکردهای ان ، بود . در واقع شکل جدیدی از عملکرد دستگاه اجرایی که مبتنی بر برداشت " فرمانبرداری Governance است . اصول و دیدگاه سیاسی این ، پُروژه ء شهر، ویا آنچه در هدف گیریهای اقتصادی وسمت گیری اداری اش مشاهده میشود ، چیزی جز سمت و سو دادن به فعالیت های شهرانهم با خصوصیات رقابتی برای پاسخگویی به تقاضای بازار، نمی باشد . ویا بگفته ، جردی بورخا Jordi Borja 89/1997 : دولت محلی باید ، شهر

را برای عرضه به خارج آماده نماید . باید انرا با چهره ای مثبت و قابل پذیرش از نظر امکانات زیرساختی خدماتی ( ارتباطاتی، اقتصادی ، فرهنگی ، امنیتی و غیره ) بصورتی که برای سرمایه گزاران جذابیت داشته باشد ، معرفی نماید .

در زمینه مدیریت سیاسی ، از تبدیل خدمات و فعالیت های عمومی به شیوه " مدیریت بنگاهداری " با این هدف که بتوان از این طریق، به کارآمدی بالای اقتصادی دست یافت ، پشتیبانی میگردد. بورخا

96/1999

باتوجه به آنچه گفته شد ، میتوان دریافت ایدئولوژی ایکه مقدمه چینی مربوط به برنامه ریزی استراتژیک در شهرها را مطرح مینماید ، با همراه نمودن برداشتهای خود با گلوبالیزاسیون اقتصادی و در ساختارهای نویء دستگاه اداری نئولیبرال ، سمت گیری و اساس برداشت های کار خود را تعریف مینماید .

برنامه ریزی استراتژیک شهری ، که مبتنی بر این برداشتها توسعه یافت . در مقابل گرایشهای گلوبالیزاسیون ، شهرها را به بکارگیری وسایلی برای رقابتی شدنشان با هدف عرضه به بازار گلوبال سوق میداد . در این پویائیء مبتنی بر منافع بخش خصوصی ، قابلیت عملکرد و اقدامات " دولت محلی " نه بر اساس اقداماتی که در جهت پاسخگویی ونیل به استاندارها و شاخص های جهان شمول (انیورسال) عدالت اجتماعی و پاسخ گوئی به مطالبات شهروندان ارزیابی میشدند ، بلکه بر اساس میزان جذب سرمایه و یگانه شدن ( انتگراسیون) شهر با سرمایه بین المللی مورد سنجش ، قرار می گرفتند . بدین ترتیب مدیریت بخش دولتی همراه با برداشت رقابت پذیریء گلوبال (بازار آزاد ، بسط و گسترش ابتدال در ادامه خدمات اجتماعی و مانند ان ) است که ، بصورت یک مدیریت موفق مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت .

بدین ترتیب و با چنین سمت گیری ای ، برنامه ریزی استراتژیک به سوئی متمایل گشت که ، مدیریت امور عمومی را به فعالیتی منحصر" فنی و اداری تبدیل نموده ، دغدغه اصلی اش به رقابتی نمودن فعالیت ها برای گروههای اقتصادی خصوصی ، محدود گردد . اکنون منطق خصوصی سالارء تنظیم کننده سیاست هائی که چگونگی تجمع های شهری ( اگلومراسیون اوربان ) را تعیین مینمایند ، از طریق *استراتژی ایکه*

بظاهر از نظر سیاسی بیطرف بنظر میاید ، مشروعیت اش را بدست آورده و در دستور قرار میگیرد . به بیانی دیگر ، در این زمینه ، برداشتی را رواج داده و القاء مینمایند که : گوئی تنها راه پیشرفت و تعالی شهرها ، بکار گیری این استراتژی رقابتی است ، که در واقع با گرایش به پیچیده نمودن ، تضاد منافع موجود در جامعه ، از طریق ایجاد ساز و کارهایی که بظاهر موید عدم وجود تضاد منافع مذکوراند ، موجب پوشاندن ظاهری و کم اهمیت جلوه نمودن این تضادها هم میشوند .

سازوکارهای لازم برای پذیرش ، ایده های استراتژیکی ، در نتیجه گامهای مربوط به روش شناسی (متدولوژیکی) برنامه ریزی استراتژیک ، شکل میگیرند . در وهله اول ضرورت " پیوند بخش عمومی - خصوصی ، چه از نظر تعیین اهداف و یا برنامه مربوطه ، و چه از نظر اجرای مشی اجرایی پروژه ، مطرح میگردد . " (بورخا و فورن Borja & Forn درسیاست های شهری کشورهای اروپایی 48/1996) و یا درجای دیگر معتقد است : "... . تحکیم موقعیت شهر همچون عامل اقتصادی بستگی ، به امکانات ترغیب به ایجاد پروژه های بزرگ شهری ، با مشارکت فعال ارگانهای دولتی و خصوصی و هم چنین تشویق شهروندان از طریق اشاعه فرهنگ ایجاد تعلق و علاقه مندی به شهرشان ، خواهد داشت .

( بورخا Borja 82/1997 )

در اینصورت شهر، بصورت قطب اتصال و بهم پیوستن منافع حاکم در جامعه مدنی ، یعنی بخش خصوصی ( بنگاه های اقتصادی ) و دولت در خواهد آمد . گام های روش شناسی ( متدولوژیکی ) تحقق این پیوستگی و اتصال منافع و زمینه سازی برای رضایت شهروندان با چگونگی ، انتخاب مشاوران مسئول این برنامه ها ، آغاز خواهد شد . این مشاورین میبایست دارای قابلیت تحقق بخشیدن به چنین اهدافی را داشته باشند . بدین ترتیب : شورای سرپرستی ( یا کمیته اجرائی ، شورای دائمی ) مسئول ارزیابی برنامه ریزیها در همه ی فازها ی مختلف جهت : تحلیل و تصویب اهداف ، متدولوژی تهیه برنامه ها ، چارترسازمانی برنامه های اجرائی ، اعلان و معرفی آنها ، تدوین سیستم های اجرائی ، مشاور امور شهری و یا محلی ، مشاور امور عمومی ، مشاور امور استرا تژیک ، کمیسیون عمومی ، ارگان مشارکت شهروندان ، و علاوه بران نمایندگی های بخش های مختلف دولت محلی ، ایالتی و فدرال ، نمایندگان

جامعه مدنی که بطور کلی ذینفع های مختلف جامعه را شامل میشوند . از آن جمله : انجمن های محلی ، تشکل های حرفه ای ، سازمان های ارتباط جمعی ، ان.جی.ا.های ( سازمان های غیر دولتی ) مختلف و غیره . انتخاب این اعضا به عهده و حمایت کنندگان سازمان مدیریت است . مشارکت های مذکور با این هدف انجام میشود که ، حمایت و رضایت ذینفع ها نسبت که پروژه هائی که در پیش است کسب شود .

کاربردچنین ، متدولوژیهای ، یعنی " تعریف هدفی که توفیق در رقابت در این جهان گلوبالیزه را در جهت بهتر شدن کیفیت زندگی ، میسر میگرداند . از طریق تقارب و بهم پیوستن منافع استراتژیک همه ی فعالان با قابلیت و توانمند و دارای امکانات که ، برای ساخت شهر ضروری هستند ، قابل تحقق است .

"(رودریگو لویز Rodrigo Lopez 90/ 1998 ) . بدین ترتیب ، این شیوه راهمچون راه حل ورود موفق و پیروزمندانه به بازار گلوبال جهانی معرفی نموده ، در نتیجه خواهان اتصال و پیوستگی بخش دولتی ، بخش خصوصی ، بنگاهداری و نمایندگان و صاحبان نام و نفوذ جامعه مدنی ، به آن میشوند .

انچه مطرح شد ، مبین این واقعیت است که ، توسعه اینگونه راهبردها ( استراتژیها ) ، معطوف به ضرورت به اجرا در آوردن ، برنامه ریزی راهبردی در شهرها ، وانهم جزئی از روندی است که حول یک پروژه شهری از پیش تعیین و توافق شده ، که لزوم اجرای آن قبلاً" به علت وجود بحران و رکود در شهر ضروری تشخیص داده شده ، بوده است . بدین ترتیب ، هر چند در این روند سازمانها و ذینفع های مختلف در روند تصمیم گیری ، سیاست گزاریها و تعیین اهداف شرکت میکنند ، ولی در نهایت سمت گیری و هدف اصلی تبدیل شهر بوسیله ایست که در آن منافع " سرمایه " حاکم باشد . یا اینکه برنامه ها و پروژه ها ئی که برنامه ریزی راهبردی ( استراتژیک ) شهری را تشکیل میدهند ، هدف عمده شان مشروعیت بخشیدن به استفاده ابزاری از بخش عمومی در جهت اهداف و منافع سرمایه های بین المللی و محلی است .

**شهر گلوبال واقعیت یا توهم ؟**

تا اینجا با توجه به نظریات صاحب نظران و پژوهشگران انهم اغلب مربوط به جوامع در حال توسعه - در این نوشته، اکثراً" صاحب نظران لاتین امریکائی - که امروزه با نتایج منفی و مخرب این برنامه ریزی - برنامه ریزی راهبردی شهری - دست بگریبان اند و بهمین سبب به نقد آن پرداخته اند .

مشاهده شد که، برنامه ریزی راهبری شهری ، چنانکه متاسفانه برخی از برنامه ریزان ، شهرسازان و معماران وسایر دست اندر کاران مقولات شهری درکشورما میبندارند ، مقوله ای علمیء خاصی نبوده ، بلکه نسخه شهرسازی کاملاً" هدف دار نئولیبرالهاست . یعنی با استفاده از امکاناتی که حاصل بوجود آمدن شرایطی است که امروزه تحت عنوان پدیده "جهانی شدن" ( گلوبالیزاسیون) ازان نام برده میشود . انهم بگونه ای که به قول ژوزه لوئیز فیوری ( Jose Luiz Fiori در سکه سازان قلابی ) " پدیده معروف به جهانی شدن (گلوبالیزاسیون ) تا کنون همه چیز بوده ، جز گلوبال!"

تاکنون همواره اینگونه رواج یافته ویا تبلیغ شده که در اثر بسط وپیشرفت تکنولوژی ، انقلاب اطلاعات ، توسعه تکنولوژی ارتباطات ، سرمایه جهانی شده و در نتیجهء جهانی شدنء ان رونق ، توسعه وپیشرفت همگانی را در سطح جهان بهمراه خواهد آورد . پس باید با تعجیل وشتاب به این کاروان پیوست وازان ان عقب نمانده ، فرصت های طلایی را از دست نداد ! اما در واقعیت ، از این جهت - توخالی بودن این ادعا ها - کشورهای توسعه نیافته که جای خود را دارند ! بفرض اسپانیا کشوراروپائی عضو جامعه اروپا که ، باشوق زیادی این برنامه ریزی شهری را بکار گرفت ، هم اکنون- در آغاز سال 2010- با بیش از بیست درصد بیکاری ویک ملیون ودویست هزار واحد مسکونی خالی روی دست مانده مواجه است !

هرچند در واقعیت با پدیده ای بنام جهانی شدن (گلوبالیزاسیون) مواجه ایم . اما ان چنانکه تا کنون انرا تعریف ودرباره ان تبلیغ نموده اند ، بمیزان زیادی وارونه جلوه دادن واقعیت بوده است . فرضاً" در رابطه با برنامه ریزی استراتژیک شهری و جهانی شدن شهرها ، آنچه هم اکنون در کشور ما ذهن برنامه ریزان و شهرسازان وسایر دست اندرکاران این مقوله را بخودمشغول نموده ، اغلب انقدر دور از واقعیت استکه ، بیشتر به گرفتار شدن در یک تله ایدولوژیک میماند ، تا برداشت وشناخت مشخصی از یک چنین مقوله ای . متاسفانه به علت کمبود پژوهشهای بومی ، عدم دسترسی به تجربیات مشخص و مستند جوامع دیگر، خاصه

جوامع توسعه نیافته ، حتی کشورهای همسایه نزدیک منطقه خود مان ، برداشت های غالباً توصیفی ، و کاملاً جهت دار و وارداتی را ، گوئی در بست پذیرفته ایم . البته آنچه مسلم است ، این است که پذیرش بدون نقد و تامل این برداشت ها بیش اینکه سهواً انجام شود عمدی است . چون در واقع سیاست گزاران ما از جهات دیگری دچار توهم اند ، ولذا، اینگونه برداشت ها را با خواسته های خود همسو میبینند . بهمین سبب برای کنار زدن این پوسته ظاهری و تعمیق تحلیل ها چه در مورد ابعاد مختلف این مقوله ، از انجمله : در رابطه با وضع موجود جامعه ، انهم با توجه به گرایشهای اغلب ناگزیر و ساختاری ان ، ویا توجه ای همه جانبه تر به تجربیات دیگران ، باید در حد توان وامکان به بحث حاضر دامن زد.

همانگونه که پیدایش برنامه ریزی استراتژیک (راهبری) شهری مبتنی بر ایدئولوژی نئولیبرالیستی ، و دقیقاً در رابطه و مبتنی بر نیازها و منافع مشخص نئولیبرالها ، در دوره معینی از انکشاف نئولیبرالی سرمایه داری ، توسط نظریه پردازان وابسته به این منافع شکل گرفت . همچنین با توجه به معضلاتی که ، بکارگیری این الگوی برنامه ریزی شهری ، بویژه در شهرهای برخی جوامع توسعه نیافته ، پیش آورد . میباید سایر جوانب ایدئولوژیکی و سرچشمه های تاثیر گزار در شکل گیری چنین الگوئی که انها را تحت عناوین : جهانی شدن (گلوبالیزاسیون) ، شهر جهانی (گلوبال سیتی) و امثال ان میشناسیم را بیش از پیش مورد نقد و تامل قرار داده تا بتوان مرز میان واقعیت و افسانه ، یا راه حل پاسخگوئی به مشکلی مشخص ، در این زمینه با توسل به توهم ، را باز شناخت . توهماتی که امروزه بگونه محسوسی در چنبره ان گرفتاریم ، و تا کنون نتوانستیم به کمک ، طرح مسئله مشخص و قابل دفاع ، شناسائی مختصاتی که در ان قرار داریم ، خود را از ان رها نمائیم . جهت اثبات این ادعا کافی است به اهداف به اصطلاح از پیش تعیین شده بسیاری از طرحها و برنامه های جاری توجه نمائیم ، از انجمله بعنوان نمونه : به اهداف طرح جامع جدید تهران در زمینه برنامه ریزی بخشی ویا اهداف کلان توسعه در چشم انداز بیست ساله ، را نام برد ، که هر دو بعنوان دو نمونه از هدف گیری ها در سیاست گزارانی های مربوطه شان ، واقعا" بدنبال مشتکی از توهمات اند.

باتوجه به پیوند تنگاتنگی که جهانی شدن با شکل گیری تفکر برنامه ریزی استراتژیک شهری دارد . لازم است با وسواس بیشتری نحوه ظهور و پیدایش پدیده گلوبالیزسیون و سپس رابطه شهر جهانی شده ، با آن ، مورد تامل قرار گیرد .

انچه باتوجه به واقعیت ها می‌خواهیم به آن اشاره نمائیم این است که : جهانی شدن سرمایه ، انهم در مرحله انکشاف نئولیبرالی نظام سرمایه داری حاصل رونق و شکوفایی اقتصادی ، انگونه که با وارونه جلوه دادن واقعیات سعی در القاء انرا دارند ، نبود . بلکه از همان سالهای آغازین ، دهه هفتاد میلادی ، لیبرالیزه و در پی ان گلوبالیزه شدن سرمایه حاصل رکود ساختاری طولانی ای بود که حداقل از اواخر دهه شصت میلادی تا آغاز دهه هشتاد ادامه داشت .

بنابراین همانگونه که جرال دومنیل Gerld Dumenil استاد اقتصاد دانشگاه پاریس معتقد است : نئولیبرالیسم در واقع ، مرحله کنونی انکشاف سرمایه داری است ! گلوبالیزسیون پیش رو هم شکل تحقق ان است . ویژگی عمده ان جهانی شدن سرمایه ، یعنی جابجائی و تحرک ان در سطح جهان است . این روند از آغاز دهه 80 میلادی نخست در انگلستان ، امریکای شمالی و اروپا آغاز شد و سپس ژاپن و سایر جوامع سرمایه داری مرکزی انرا پی گرفتند . انچه در رابطه با نتیجه عمده ان برای اکثریت جامعه خاصه نیروی کار و بویژه طبقه کارگرمیتوان مشاهده نمود ، زیر پاگذاشتن و کاستن مدام از حقوق انها ، که طی مبارزات ممتدی بدست آمده ، بوده است . جرال دومنیل ، گلوبالیزسیون را که در شرایط کنونی ، در خدمت نئولیبرالیسم قرار گرفته ، در عمل به رقابت و داشتن اقشار ضربه پذیر تر جامعه ، و یا بطور کلی کارگران فقیر جهان ، میدانند .

باتوجه به ویژگی ها و نتایج عینی سیاست های نئولیبرال در برنامه ریزی های اقتصادی بطور عام و همینطور تأثیرات برنامه ریزی استراتژیک شهری در جهت دادن به تحولات شهری . همانگونه که قبلاً مطرح نمودیم ، بحث مربوط به شهر گلوبال را از زاویه دید صاحب نظران و در واقع ناظرین این روند ، بویژه نقد هائی که در جوامع توسعه نیافته در جریان است ، پی میگیریم .

در ادامه بحث پیشین ، مونیکا کاروالیو ، Monica Carvalho ، استاد جامعه شناسی در دانشگاه ایالتی سائوپائولو ، ( در شهر گلوبال ، نکاتی در نقد یک برداشت ) چنین ادامه میدهد : " . . . آغاز مطرح شدن شهرگلوبال ، مستقیماً"مربوط میشود به روبروشدن کلان شهرهای جوامع سرمایه داری مرکزی یا جهان اولی ها و با روند گلوبالیزاسیون اقتصادی ، که انهم در سالهای پایانی دهه هفتاد میلادی آغاز شد . تغییراتی که در آن سالها در اقتصاد جهانی در جریان بود ، بتدریج موجب پیدایش ، بحران مرکزیت اقتصادی ، در متروپل های مذکور که در حال ازدست دادن کنترل بر فعالیت صنعتی شان بودند ، گردید . چون بنگاههای مسئول فعالیت های صنعتی نامبرده ، در اثر توسعه تکنولوژی و فنون جدید اطلاعات و ارتباطات ، انعطاف بیشتری ، برای انتخاب مکان بصره تری برای استقرار مرکز فعالیت بنگاههای خود ، کسب نمودند . بحران مالیاتی ناشی از این وضعیت ، افزایش محسوس بیکاری ، فقدان راه کارهایی برای مشکلات شهری که در چنین شرایطی رو بفزونی بود ، بر مشکلات افزوده شده ، وضعیت نگران کننده ای را برای آینده این کلان شهرها پیش آوردند . اما بموازات شکل گیری بحران مورد بحث که ، برای کلان شهرها بصورت وضعیت کیش مات درآمده بود ، تغییرات دیگری در این کلان شهرها در حال وقوع پیوستن بود . تغییراتی که بصورت جاگزینی فعالیت های صنعتی با فعالیت های خدماتی پیش رفته و تخصصی ، اکثراً" مربوط به بخش های مالی و سرمایه گذاری و اطلاعاتی با ماهیت غالباً" فراملیتی ، در حال شکل گیری بود . اگر از یک جهت بنظر میرسید ، این کلان شهرها به سوی آینده ای مبهم پیش میروند ، اما از جهت دیگر در حال بدست آوردن اهمیت استراتژیک (راهبردی) ، همچون مرکز استقرار فعالیت های ثالثیه پیشرفته ، همپای تغییرات اقتصادی جهان بودند . بنابراین ، جمیع این تغییرات بمعنی از دست دادن نقش رهبری و مرکزیت اقتصادی بودن آنها نبود . بلکه برای آنها ، بصورت نوعی معنی ، محتوای و نقش جدید ، در نظام تولیدی بین المللی به حساب میامد . این کلان شهرها با تغییرات جدیدی که در نقش آفرینی شان بوجود آمده بود ، بتدریج توسط صاحب نظران و اهل پژوهشی که این جریانات را پیگیری مینمودند ، " شهر گلوبال" نامیده شدند . از انجمله : ( ساسکیا ساسن 1998 Saskia Sassen ،

لوی Levy 1997 ، تورز و مارکز Torres & Marques 1997 )

در سالهای میانی دهه هشتاد و شروع دهه نود میلادی ، نسل اول پژوهش گران ( مانند ، مارکز و تورز در سائوپائولو در سیستم جهانی ) عنوان *شهرگلوبال* را جهت تصویر نمودن موقعیت استراتژیک برخی کلان شهرها در رابطه با اقتصاد جهانی و همچنین تبیین تناقضهای این روند بکار گرفتند . جایگزینی فعالیت های صنعتی با فعالیت های خدماتی پیش رفته ، موجب تغییراتی در بازار کار و ساختار اشتغال و در نتیجه تشدید قطبی شدن جامعه گردید . انهم در حالی که عرضه نیروی کار باتخصص بالا و دستمزهای بسیار خوب تقاضای خدمات مربوط به نگهداری و بهبود ساختار تولیدی را ، متفاوت با شرایط پیش ازان که دستمزد ها پائین و درحد اقل بود، بهبود بخشید . ( ا. لوی E. Levi 1997 / 38 . در دموکراسی در شهرهای جهانی ، پژوهشی در باره لندن و سائوپائولو -- ساسکیا ساسن Saskia Sassen در شهرها در اقتصاد جهانی )

در اثر این تقسیم کار جدید ، و ضرورت تغییر « کاربرد زمین » در " بازار مستقلات و در ساختار مصرف " با پیدایش فضاهای دوگانه Dual در درون کلانشهرها مواجه میشویم . ( ساسن 150/1998 ) بدین صورت ، شکل جدیدی از جدانشینی شهری *segregacion urban* بوجود آمد . ( لوی 38/1997 )

در اولین برداشتی که میتوان انرا بصورت ، دیانوستیک ، این وضعیت به حساب آورد ، برداشت *شهرگلوبال* ، حاصل یک روند تاریخی کاملاً مشخص *concret* در برخی کلان شهرهای جهان اولی - در انهایی که هم اکنون ویژگیهای گلوبال بودن را نشان میدهند - بود . اما ، همزمان با اینکه ، این کلان شهرها ، روند تغییرات ساختار تولیدی متاثر از جهانی شدن اقتصاد را نشان میدهند ، تناقضهای ذاتی شان هم ، بصورت : تغییرات انجام شده در بازار کار ، افزایش عواقب نابرابری اجتماعی ، کاهش دسترسی به فضا و تسهیلات شهری برای همه برملا میشود . اکنون از این زاویه خاص ، این برداشت - شهر گلوبال - که حداقل در آغاز شکل گیری اش ، پویائی این کلان شهر ها را غنی تر نمود ، بابر داشت های دیگر از شهر ، برای رسیدن به اهداف شهری فاصله چندانی نداشت . اما مشکلات شان هنگامی آغاز شدند که ، از فضائی که تا آن زمان تولید شده که انهم ، حاصل روند تاریخی مشخصی بود ، فاصله گرفتند .

در اواخر دهه نود شاهد موج دوم مطالعات مربوط به تفکر ویا برداشت شهر گلوبال برای کلان شهرهائی که در مرحله دوم اهمیت قرار دارند میباشیم (مارکز و تُوَرز 1997) . هرچند این پدیده مسئله نوئی نیست . اما از این ببعده تفکر شهرگلوبال مفهوم جدیدی یافت ، که می شد انرا به صورت فُرم تبیین ایده ال عرضه نمود . ( ام .پ. ب و راس 131/1997 M.P.B.Veras . در کورتیسا ] کلبه هائی که از پوست ضخیم درخت های جنگلی مشابه بادرخت چوب پنبه برپا میشود .م ] در سائوپائولو: اشکال نووکهنه فقر شهری و جدانشینی segregacion اجتماعی).

در این مرحله بعدی استکه ، کلان شهر سائوپائولوهم بعنوان یک کلان شهرجهانی ء محتمل مورد توجه قرارمیگیرد .

همان گونه که ماکس وبر Max Weber ( در هدفء شناخت در علوم اجتماعی ) یاد اوری مینماید ، تیپ ایده ال ، یک بنا ی منطقی ای است که ، درواقعیتء تاریخی معینی متولد میشود ، ولی با ان یکی گرفته نمیشود . تیپ ایده ال وسیله کمکی و ابزارتحلیل وبررسی ومبنی سنجشی استکه ، بدون ان مشکل بتوان جهات متفاوت ومتنوع واقعیت را دریافت . هنگامیکه تیپ ایده ال ، ساخته ودر نظرگرفته شد ، میتواند بعنوان وسیله ای در شناسائی واقعیت دیگری مورد استفاده قرار گیرد . بنا براین میتوان گفت: تیپ ایده الء وبر Weber (114-113/1991) بیشتر برای بررسی وسنجش تفاوت ها تا تبیین هویت قابل استفاده است . بنا بر این نمیاید انرا با الگو (مدل) ویایک وضعیت مشخص یکی گرفت .

تیپ ایده آلی که در برای تبیین شهر گلوبال مطرح میگردد ، مبتنی بر خصلت ها ( کارکتریست ) معمول ء کلان شهرهائی است که در اثر جهانی شدن اقتصاد دستخوش دگرگونی شدند . باین وصف "گلوبال" ویژگیء "شهر" ی استکه که ، بصورت " نقطه تلاقی" میان اقتصادهای ملی وبازارجهانی باشد . شهری که درقلمرو ملی ای که به ان تعلق دارد ، بنگاههای اصلی فراملیتی را که ، فعالیت های اقتصادی شان خدمات تخصصی سطح بالا ، فن اوری برتر وبرخی فعالیت های معین اقتصادی است را ، گرد هم آورده باشد . انهم درحالیکه دراثرتغییروتحولات این روند بازارکارش قطبی شده و نابرابریهای اجتماعی

جدید ، بصورت جدائی اجتماعی دوگانه شده ، segragacion social dualizado دران بوقوع  
پیوسته باشد .

فروردین 1989

ادامه در بخش سوم

گرد آورنده و انتخاب مطالب مهدی کاظمی بید هندی